

«شرق» از آخرین وضعیت پرونده هسته‌ای و برجام بعد از صدور قطع‌نامه گزارش می دهد

گرگ‌ومیش هسته‌ای

شرق: پس از صدور قطع‌نامه ضدایرانی در شورای حکام، تهران از واکنش «قاطع و مؤثر» گفت، در همین باره ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه، روز یکشنبه عنوان کرد: «در پاسخ به اقدام اخیر سه کشور اروپایی و آمریکا در تصویب قطع‌نامه علیه ایران، در نخستین گام، چند اقدام در دستور کار سازمان انرژی اتمی ایران قرار گرفت و اجرای آنها امروز (یکشنبه) با حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مجتمع‌های غنی‌سازی شهید احمدی‌روشن (نطنز) و دکتر علی‌محمدی (فردو) انجام شد». اگرچه جزئیات این اقدامات چندان روشن نیست و چند گمانه‌زنی رسانه‌ای در این رابطه عنوان شده است، اما در آن سوی داستان رافائل گروسی معتقد است باوجود تحولات جاری پس صدور قطع‌نامه، هنوز مناسبات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره پرونده فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به نقطه «بی‌بازگشت» نرسیده است.

آن‌طور که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفت‌وگویی مطرح کرده است، این آژانس اطلاعاتی رای اثبات وجود برنامه هسته‌ای تسلیحاتی در ایران ندارد. به گزارش خبرگزاری تاس، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در بخشی از

گفت‌وگو با شبکه سی‌بی‌سی گفت: «آژانس فکر نمی‌کند هنوز زمان آن فرا رسیده باشد که ادعان کند ایران یک قدرت هسته‌ای است و هیچ اطلاعاتی دال بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در حال‌حاضر درحال پیشبرد یک برنامه تسلیحات هسته‌ای است، در اختیار ندارد». گروسی در پاسخ به این پرسش که از نظر او ایران چقدر به ساختن یک بمب هسته‌ای نزدیک است، بیان کرد: «در این سطح از تولید اورانیوم و با این میزان خلوص، ایران تاکنون مواد کافی برای داشتن بیش از یک بمب را در صورتی که بخواهد تولید کند، در اختیار دارد. اما هیچ‌گونه اطلاعاتی نداریم که نشان دهد ایران درحال‌حاضر یک برنامه هسته‌ای تسلیحاتی دارد». او در ادامه در پاسخ به اینکه آیا ایران به نقطه بی‌بازگشت رسیده است یا نه، تصریح کرد: «نه هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم؛ اما باید سخت تلاش کنیم تا به آنجا برسیم». البته کنعانی موضع نسبتاً مثبت گروسی را ندارد و با تأکید بر اینکه ایران پیش‌تر درباره پیامدهای این اقدام غیرمنطقی و مغرب به طرف‌های غربی هشدار داده بود، بیان کرد: «متأسفانه استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی علیه ملت‌های مستقل، به هنجار سیاست خارجی غربی‌ها تبدیل شده است». سخنگوی وزارت امور خارجه در ادامه تصریح

«شرق» در گفت‌وگو با پدر و وکیل سهند نورمحمدزاده، آخرین وضعیت پرونده او را بررسی می کند

چالش حقوقی یک حکم

میلاد علوی: پنج روز پیش بود که خبرگزاری میزان به عنوان خبرگزاری رسمی قوه قضائیه در خبری، از صدور حکم اعدام برای سسه نفر از بازداشت‌شدگان در جریان اعتراضات اخیر در ایران خبر داد. در خبر میزان، به نام افراد اشاره‌ای نشده بود ولی آمده بود که «اتهام آنها در افساد فی الارض» و «اغتشاش» و «برهم‌زدن امنیت کشور» است. یک روز بعد در شبکه‌های اجتماعی مشخص شد یکی از این افراد، سهند نور محمدزاده است؛ جوانی ۲۵ ساله. او متولد اسفند سال ۷۵ است. ورزشکار است و با قد و هیکلی درشت، صداوسیما و برخی رسانه‌های دیگر، فیلمی را از سهند نورمحمدزاده پخش کردند؛ فیلمی که در جریان آن، سهند نه اقدام به آتش‌زدن سطل زباله می‌کند و نه عمل دیگری را مرتکب می‌شود که بتوان از آن به عنوان محاربه یاد کرد. جالب آنکه نام سهند نورمحمدزاده و خبر صدور حکم اعدام به اتهام محاربه برای او در شرایطی رسانه‌ای شد که براساس گفته‌های وکیل او، حداقل تا لحظه تنظیم این گزارش، این رای به او و سهند در زندان ابلاغ نشده است. براساس قانون، آرای صادرشده در دادگاه انقلاب علاوه بر ریاست شعبه که به عنوان قاضی اصلی در پرونده حاضر است، قاضی دوم یا مستشار نیز باید حکم صادرشده را امضا و تأیید کند تا حکم به صورت واقعی و با طی روال قانونی، به اطلاع متهم و وکلای او برسد. در پرونده سهند نورمحمدزاده، رئیس شعبه ۲۹، قاضی مظلوم، حکم محاربه را امضا کرده ولی حداقل فعلاً، قاضی دوم نه‌تنها حاضر به امضای این حکم نشده بلکه دیروز، در یک صفحه، بر بی‌گناهی سهند نورمحمدزاده تأکید کرده و از لزوم پرهیز از صدور حکم اعدام برای او گفته است. به این ترتیب و براساس قانون، حکم صادرشده باید توسط قاضی سوم که یکی از قضات دادگاه انقلاب است، بررسی شود. اگر قاضی سوم رای به محاربه داد، این حکم به‌صورت واقعی به وکلا ابلاغ خواهد شد. اما اگر قاضی سوم با حکم محاربه مخالفت کند، این اتهام به کلی از پرونده نورمحمدزاده حذف خواهد شد. براساس شنیده‌های خبرنگار «شرق» از منابع موثق، حکم صادرشده برای نورمحمدزاده نه‌تنها از دید وکلا و حقوق‌دانان مستقل با مصادیق اتهام محاربه همخوانی ندارد و به زعم وکیلش «سخت‌گیرانه» است بلکه قاضی صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب نیز این حکم را قابل نقض خوانده است. وکیل نورمحمدزاده و پدرش امیدوارند که قاضی سوم نیز چون قاضی دوم رای به نقض حکم محاربه دهد اما اگر تأیید هم کند، امید آنها به دیوان عالی کشور است. قانونا دیوان عالی کشور می‌تواند احکام صادرشده توسط دادگاه‌های بدوی را بررسی و اقدام به تأیید یا نقض آنها کند. پدر سهند نورمحمدزاده امیدوار است در همین دادگاه بدوی اتهام محاربه از پرونده فرزندش حذف شد ولی وکیل خود را برای دیوان عالی کشور آماده می‌کند. در ادامه گفت‌وگوی «شرق» را با پدر سهند نورمحمدزاده می‌خوانید.

- بعد از آنکه خبرگزاری میزان اعلام کرد که برای سسه نفر حکم اعدام به اتهام محاربه صادر شده و مشخص شد که یکی از این افراد سهند نورمحمدزاده است، موارد بسیاری درباره او مطرح شد. اتفاقات از چه زمانی شروع شد؟**

روز یازدهم مهر، سهند صبح اول وقت به شهریار می‌رود، دوستش با او تماس گرفته و گفته بود من قصد اسباب‌کشی دارم، بیا و به من کمک کن. سهند ساعت ۱۰ صبح به شهریار رفت و حدود ساعت چهار و نیم بعدازظهر برگشت. با بازگشت به تهران، به محل کارش در پاساژ تیرازه رفت. آنجا دید که همه جمع شده‌اند و در پاساژ نیمه‌باز است. همان زمان معترضان هم از سمت پونک به سمت پایین می‌آیند. مقابل پاساژ، درست جایی که سهند موتورش را پارک کرده بود، سطل آتشغال آتش زده بودند. موتور سهند، موتور صفر و نوینی است. سهند با پا، دو سه متری سطل آشفغال را جابه‌جا می‌کند. این صحنه در فیلم هم هست و در صداوسیما هم نشان داده‌اند. سهند در دفاعیاتش خطاب به قاضی گفت که چون موتور من نو بود و ترسیدم موتورم آتش بگیرد، سطل آشفغال را به سمت دیگری هل دادم.

مأموران اطلاعاتی از روی پل عابر پیاده مقابل تیرازه، فیلم‌برداری کرده‌اند. فیلم‌هایی که پخش شده، فیلم‌هایی است که مأموران اطلاعاتی گرفته‌اند نه شخص دیگری. براساس این فیلم‌ها، در ابتدای امر که شروع اعتراضات است، تعدادی دختر و پسر مقابل پاساژ شروع می‌کنند به شعاردادن. در آن لحظه خبری از سهند نیست. یعنی پسر من در ابتدای اعتراضات اصلاً در محل حضور ندارد. بعد که می‌آید، می‌بیند مردم هستند و اعتراضاتی شکل گرفته است. در ادامه و بعد از آمدن سهند، یک نفر چند حلقه لاستیک به میانه جمعیت می‌اندازد. سهند می‌گوید که یکی از این لاستیک‌ها نزدیک بود به رویش بیفتد و او برای جلوگیری از این مسئله، یک لگد به آن لاستیک می‌زند.

در ادامه و براساس فیلم، سهند از گاردیل «بی‌آرتی»‌ها رد می‌شود و به جایی می‌رود که فنی‌ها قرار گرفته‌اند. آنجا به‌واسطه وجود درختان، سهند مشخص نیست. حدود چهار نفر دیگر در آن صحنه حضور دارند که این افراد اقدام به شکستن نرده‌ها می‌کنند اما نکته قابل‌توجه این است که بعد از آنکه این افراد موفق به شکستن نرده‌ها شوند، سهند از آنجا دور شده است. این در فیلم مشخص است. هیچ نرده‌ای هم دست سهند دیده نمی‌شود. او با افراد دیگری هم نرده‌ای را حمل نمی‌کند. در ادامه و بعد از اینکه افرادی نرده‌ها را در مسیر اتوبوس «بی‌آرتی» قرار می‌دهند، اتوبوس به آنجا می‌رسد. یکی از مسافران اتوبوس، براساس فیلم، پیاده می‌شود و نرده‌ای را که در عرض خیابان قرار گرفته، کنار می‌زند تا اتوبوس رد نشود. در این صحنه، سهند از پیاده‌رو می‌آید و نرده‌ای را کنار زده شده بود، دوباره وسط می‌آورد. این تنها کاری است که سهند انجام داده است.

- بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟ سهند چه زمانی و چگونه بازداشت شد؟**

روز ۱۲ مهر، سهند از مقابل مغازه‌اش سوار موتور می‌شود و به سمت منزل حرکت می‌کند. قبل از این کار، به مادرش زنگ می‌زند و می‌پرسد که اگر ناهار داریم، به خانه بیایم. مادرش می‌گوید ناهار هست، به خانه بیا. پاساژ هم از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر تعطیل است. در این مسیر یک ماشین پژوی طوسی‌رنگ، سهند را تعقیب می‌کند. سهند که جلوی در خانه می‌رسد، مأموران به او می‌گویند موتور را بگذار همین‌جا باشد و بیا ما برویم. مأموران، سهند را سوار ماشین می‌کنند و یک کوچه بالاتر، به او چشم‌بند می‌زنند و



می‌برند. همان روز، ساعت چهار و نیم بعدازظهر شماره‌ای با من تماس گرفت و گفت شما پدر سهند هستید؟ گفتم بله شما؟ گفت موتور سهند مقابل در پارکینگ گذاشته شده، موتور را به داخل انتقال دهید. پرسیدم از کجا زنگ می‌زنید؟ گفت از دادسرای اوین. پسر کوچک من سرباز است. به او زنگ زدم که برود و ببیند راست می‌گویند یا خیر که نگاه کرد و بدو بله، درست است. حتی اجازه نداده بودند که سهند موتورش را قفل کند.

بعد از این اتفاق و تماس، تا حدود ۱۰ روز ما مطلقاً هیچ خبری از سهند نداشتیم. حتی یک تماس گرفته نشد. هر روز، ساعت شش صبح به مقابل زندان اوین می‌رفتم اما راهم نمی‌دادند. آنجا هر روز بر از خانواده‌هایی بود که دنبال عزیزانشان آمده بودند. روز ۲۲ مهر با خواهرش و تمنای بسیار، توانستم وارد دادسرا شوم. رفتم بالا. منشی بازپرس سوم دادسرای اوین، پرسید تو را چه کسی راه

داده است؟ گفتم آمده‌ام دنبال پرونده پسریم. گفت پرونده پسترت را می‌فرستیم دادگاه انقلاب. گفت همین است، برو آنجا. گریه‌ام کرد. گفتم بچه من کجا زنگ می‌نکرده، چرا این کار را با او می‌کنید اما جوابی به من ندادند. اما همین که گفتم پرونده را می‌فرستد فلان‌جا، اولین خبری بود که من توانستم از سهند بگیرم، تا قبل از آن، حتی نمی‌گفتم سهند کدام زندان است. من به زندان‌های دیگر سر می‌زدم تا شاید بتوانم از او خبری بگیرم. یک روز، مسئول پذیرش یکی از همین زندان‌ها به من گفت که اگر اینجا آورده بودند، نامش حداکثر بعد از ۴۸ ساعت وارد سیستم می‌شد. او گفت که سیستم ما درونی است و به دیگر زندان‌ها وصل نیست. آن آقا اسم سهند را جست‌وجو کرد و گفت که در این زندان نیست.

- روند دادگاه رسیدگی به پرونده سهند به چه صورت بود؟**

بعد از این اتفاقات، بازپرس شعبه سوم دادسرای اوین برای سهند ۵۰۰ میلیون تومان وثیقه صادر کرده بود. سهند تعریف کرد که بعد از اینکه از افرادی من را به بند عمومی ۲ الف آوردند، دیگر زندانیان از من پرسیدند که برای تو چه نوشتند، گفتم نوشتند محاربه ولی من نمی‌دانم معنایش چیست. دیگر زندانیان به سهند می‌گویند تو معنای محارب را نمی‌دانی؟ سهند می‌گوید نه والا! آنجا دیگر زندانیان به او می‌گویند که پسر، محارب یعنی اعدام. سهند آنجا می‌گوید من کاری نکرده‌ام که اعدام شوم. سهند می‌گوید برای اولین‌بار آنجا معنای محارب را فهمیده‌است. بعد از این اتفاقات، سهند یک روزی تماس گرفت و گفت که ما را به

کرد: «ایران برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را متناسب با نیازهای کشور و در انطباق با حقوق و تعهدات خود ذیل معاهدات بین‌المللی که طرف آنهاست، ادامه خواهد داد». باین‌حال، سخنگوی دستگاه دیپلماسی تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران همچنان آماده است در چارچوب حقوق مسلم خود، هر زمان که طرف‌های غربی به تعهدات خود بازگشته، به آن پایبند بمانند و دست از اقدامات سیاسی بردارند، به اقدامات آنها واکنش مناسب نشان دهد». از مجموعه مواضع دو طرف چنین برمی‌آید که وضعیت پرونده فعالیت‌های هسته‌ای در یک فضای گرگ‌ومیش، مبهم و گنگ قرار دارد؛ نه تهران تاکنون دست به اقداماتی برای تقابل با قطع‌نامه اخیر شورای حکام زده است و نه غرب و آژانس فضا را ملتهب‌تر کرده‌اند. البته ایالات متحده و اروپایی‌ها یک فشار تمام‌عیار در حوزه سیاست خارجی از موضع حقوق بشر و اعتراضات داخلی گرفته تا ارسال پهپاد و حتی حمله به نفتکش‌ی در آب‌های دریای عمان به راه انداخته‌اند. در چنین شرایطی، کارشناسان، تحلیلگران و ناظران امر بر این باورند که هدف غایی این حمله سیاسی، رسانه‌ای و دیپلماتیک، تضعیف توان چانه‌زنی تهران و کاشاندن آن پای می‌مذکره، البته

- آقای احمدی بعد از آنکه خبرگزاری میزان اعلام کرد برای سسه نفر حکم اعدام به اتهام محاربه صادر شده، مشخص شد یکی از این افراد سهند نورمحمدزاده است. از آخرین وضعیت پرونده او بگویید.**

واقعیت آن است که پرونده هنوز به مرحله صدور حکم نرسیده است. بر اساس قانون، رای نهایی را باید دو نفر قاضی در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب، یکی قاضی اصلی یعنی رئیس شعبه و دیگری مستشار، حکم صادرشده را امضا کنند. قاضی اصلی رای خودش را صادر کرده که متأسفانه و بر اساس شنیده‌ها ما، حکم اعدام صادر کرده است. خبر بر اساس حکم صادرشده از سوی همان یک قاضی منتشر شده اما بر اساس پیگیری‌هایی که امروز انجام دادم، متوجه شدم قاضی دوم یا همان مستشار شعبه حاضر نشده رای صادرشده به‌عنوان محاربه برای سهند نورمحمدزاده را امضا و تأیید کند. تا آنجا که فهمیدم، قاضی دوم یک صفحه دفاعیه نوشته و دلایل خود بر لزوم رد حکم محاربه شرح داده است. به‌این‌ترتیب و بر اساس قانون، حکم صادرشده باید نزد قاضی سوم برود. قاضی سوم از همان دادگاه انقلاب است.

- قاضی سوم حکم محاربه را رد یا تأیید کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟**

اگر قاضی سوم که می‌شود رئیس شعبه ۲۷، حکم محاربه صادرشده را رد کند، قانونا اتهام محاربه به کلی کنار خواهد رفت و دیگر به پرونده سهند نورمحمدزاده بر اساس این اتهام رسیدگی نخواهد شد. اما اگر قاضی سوم خطایی نکرده حکم محاربه را تأیید کند، حکم بدوی با این عنوان صادر خواهد شد و طبیعتاً باید به ما ابلاغ شود.

- آقای احمدی، ما شنیده‌ایم شما در جلسه رسیدگی به پرونده سهند نورمحمدزاده، خواستار اشد مجازات برای اغتشاشگران شده‌اید. این موضوع صحت دارد؟**

هرگز! به‌هیچ‌عنوان نگفتم خواستار اشد مجازات برای اغتشاشگران هستم. مگر می‌شود من به‌عنوان وکیل متهمی که در اعتراض حضور داشتم، در جلسه رسیدگی باشم و تقاضای اشد مجازات برای

فشاقویه منتقل می‌کنند. سهند الان در تیپ ۶ بند ۳ غربی زندان فشاقویه است.

ماحصل اتفاقی در ۱۲ مهر افتاده است، نهایتش یک لاستیک آتش‌زدن توسط سهند است که آقای احمدی، وکیلش، در جلسه دادگاه اعلام کرد که لاستیک جزء اموال عمومی نیست. فیلمی هم نیست که براساس آن بتوان گفت که سهند سطل آشفغال آتش زده است. سهند زمانی وارد صحنه می‌شود که اعتراضات شروع شده است. در دفاعیات وکیل همچنین گفته شد که در کیفرخواست سهند از او به عنوان لیدر یاد شده است. این درحالی است که لیدر کسی می‌تواند باشد که مثلاً از یک روز قبل، فراخوان تجمع داده باشد اما خوشبختانه در دو گوشی سهند که درحال‌حاضر دست‌قراگانه تارالله است، چنین چیزی نیست. سهند نه استوری گذاشته، نه فیلمی از اعتراضات گرفته و نه فیلمی برای کسی فرستاده است.

سؤال من این است که چطور می‌شود آقای قاضی با توجه به مستندات فیلمی که ضابطان گرفته‌اند، حکم محاربه برای سهند می‌دهد؛ آن‌هم در شرایطی که مشخص است سهند کاری نمی‌کند. چطور ممکن است سهند لیدر باشد و این کار را جلوی مغازه خودش انجام دهد؟ طبیعتاً لیدر می‌رود جای دیگری غیر از محل کار و زندگی‌اش این‌کار را بکند. آخر به چه دلیل حکم اعدام به پسر من دادید.

- الان سهند در چه وضعیتی است؟**

روز یکشنبه هم دادگاه رفتیم. با مکافات رفتیم. سه، چهار بار مراجعه کرده بودم، رئیس دفتر اجازه ورود نمی‌داد. گفتم آقا اجازه بدهید بروم بالا. یک سرباز را با من راهی کرد و رفتم بالا. به سرباز گفت همان‌جا بماند و خودش هم من را برگرداند به خاطر اینکه من برگه نداشتم. رفتم پیش رئیس دفتر. گفتم آمدم و باید امروز آقای مظلوم (قاضی پرونده) را ببینم. مادر سهند دیشب سخته کرده و الان بیمارستان است.

حتی امروز قرار بود من با مادر سهند دادگاه بروم اما حالش خوب نبود و توانست بیاید. به آقای فلاحتی گفتم باید آقای قاضی را ببینم. شدیداً گریه‌ام گرفت و گفتم بچه بی‌گناه من را دارند اعدام می‌کنند. این کجای قانون است؟ رزمندہ بودم. از هشت سال جنگ، چهار سال در جبهه بودم. دانستم سکنه می‌کردم. خلاصه منشی آقای قاضی که در دفتر است، آمد و گفت اجازه می‌دهد پنج دقیقه

از موضع ضعف و درنهایت پذیرش توافقی است که تأمین‌کننده شروط غرب است. با توجه به شرایط کنونی، باید این واقعیت را هم در نظر گرفت که هرگونه پیشرفتی در هر حوزه دیپلماتیک و موضوعات مربوط به سیاست خارجی، در گرو سروسامان‌دادن به حوزه سیاست داخلی است؛ چراکه تا پیش از آغاز اعتراضات، این بستر وجود داشت که با حل مسائل و چالش‌های حوزه سیاست خارجی می‌توان به حوزه سیاست داخلی، اقتصاد و معیشت کمک کرد اما اکنون کشور وارد برهه‌ای شده است که شرایط کمی متفاوت از گذشته است. از این منظر باید ابتدا به ساکن وضعیت داخلی را مدیریت کرد؛ خاصه آنکه اروپایی و ایالات متحده نیز هرگونه مذاکره و تعامل دیپلماتیک با ایران را به پایان‌دادن مسائل داخلی کشور منوط کرده‌اند. اگرچه این مواضع غرب دخالت آشکار در امور داخلی ایران محسوب می‌شود اما کاخ سفید و ساز باز با سوءاستفاده از حساسیت افکار عمومی جهانی نسبت به تحولات داخلی، عملاً برنامه و منافع خود را پیش می‌برند. بنابراین لازم است تهران برای خنثی‌کردن این هدف غربی‌ها، اهرم فشار فعلی ذیل توسل به مقوله حقوق بشر، اعتراضات و... را ناکارآمد کند که این همه نیز مستلزم مدیریت داخلی است.

هادی احمدی، وکیل تسخیری سهند نورمحمدزاده در گفت‌وگو با «شرق»

قاضی دوم حکم محاربه را امضا نکرد؛ کار به قاضی سوم کشیده شد

اغتشاشگران کتم؟ قطعاً چنین چیزی وجود ندارد.
این موضوع که شما به جای ساعت هشت صبح، ساعت ۹ صبح در جلسه رسیدگی حاضر شده‌اید، چطور؟

نه، به این شکل نبود. جلسه رسیدگی هشت صبح بود ولی تا سهند را از زندان بیاورند، طول می‌کشید. من با شعبه هماهنگ کردم و گفتم چون در شعبه دیگری وقت رسیدگی دارم، ممکن است کمی دیرتر در جلسه رسیدگی حاضر شوم. در پاسخ به من گفتند برگزاری جلسه رسیدگی تا ساعت ۹ صبح طول می‌کشد. به همین دلیل هم رفتم در دادگاه دیگر، لایحه دفاعیه‌ام را گذاشتم و بعد در جلسه رسیدگی حاضر شدم. من حدود ۸:۴۰ رسیدم که از قبل با شعبه هماهنگ شده بود. شعبه گفته بود تا متهم را از زندان بیاورند و نماینده دادستان بیاید و جلسه رسمیت پیدا کند، طول می‌کشد و من به همین دلیل با تأخیر در جلسه حاضر شدم.

- سهند نورمحمدزاده امکان استفاده از وکیل تعیینی را نداشت؟**

سهند نور محمدزاده وکیل تعیینی گرفته بود، ولی وکیل تعیینی از پرونده استعفا داد و بعد بنده وکیل شدم. دفاعیات بنده در حضور پدر موکل بود و پدر موکل هر روز به من زنگ می‌زند و خدا را شکر می‌کند که من وکیل شدم. پدر موکل بسیار راضی است از اینکه من وکیل شدم. غیرت و تعصبی که من گذاشتم برای این پرونده، حداقل برای موکل و پدرش کاملاً اثبات شده است. عذاب وجدان ندارم و ان‌شاءالله و به‌شدت امیدوارم که اگر خطایی نکرده حکم اعدام صادر شد، در دیوان عالی کشور نقض شود.

ذهنیت خودتان را از عنوان یک وکیل تسخیری که تعصبی ندارد، چون منافع مالی ندارد یا کم‌کاری کرده، دور کنید. من جان بچه معصوم‌م را قسم می‌خورم که در طول ۱۲ سال وکالت، پرکارترین و پرتلاش‌ترین پرونده‌ای که داشتم، این پرونده بود. در قیاس با همه پرونده‌هایی که داشتم و حق‌الوکاله گرفتم، در این پرونده من بیشتر کار کردم. سه شبانه‌روز نخوابیدم و در دفتر مشغول لایحه‌نویسی بودم. ۱۱ صفحه لایحه نوشتم و دادم و ۴۵ دقیقه در جلسه دادگاه دفاع کردم.

کلیبی که در اینستا می‌گذاریم، مردم را دعوت به آرامش کنیم که قصاص قبل از جنایت نکنیم. ولی اگر دیدیم ابلاغیه آمد، اعتراض می‌زنیم و لایحه می‌نویسیم و روی پرونده می‌گذاریم.

- در دادگاه چه گذشت؟**

شب قبل دادگاه سهند هم من ساعت ۱۲ نصف شب از دفترش بیرون آمدم، ولی او تا چهار صبح لایحه می‌نوشت. لایحه هم حدود ۲۰ صفحه است و به همه مواد قانونی اشاره کرده است. در دادگاه هم اشاره کرد که سهند کاری نکرده و نیاز به رافت اسلامی دارد. آقای قاضی تمام دنیا منتظر این‌جور دادگاه‌هاست و اگر رافت اسلامی نشان دهید، برای نظام خیلی خوب می‌شود و نشان می‌دهد نظام با رافت برخورد می‌کند. در پایان جلسه که آقای مظلوم با صلوات ختم جلسه را اعلام کرد، من رفتم جلوی میزش و کارت جبهه‌ام را نشانش دادم و گفتم حاج‌آقا من اینارگ هستم. کارتم هم کمی رنگی گرفته بودم. به قاضی مشاور هم نشان دادم. آقای مظلوم گفت ما به خاطر همین‌هاست که ما‌را می‌کنیم. این چه مدارایی است که شما حکم محاربه داده‌اید؟

- حال و روز سهند چطور است؟ واکنشش به حکم صادرشده چه بود؟**

صبح پسرم زنگ زد. بچه ۲۵ساله من در زندان است و نامزدش زارزار گریه می‌کند. نامزدش به پای من می‌افتد که کاری کنم. صبح به رئیس دفتر گفتم که من تظللم را به قوه قضائیه آورده‌ام. اول بیعتی شما آمدم. این مملکت به من دین دارد. اگر این کار را نکنید، مجبورم صحبت کنم. اول با روزنامه‌های داخلی شروع می‌کنم. می‌دانم ممکن است اذیتم کنند اما من بجهام را نجات می‌دهم. مگر آقا نمی‌گفت این جوان‌ها سرمایه مملکت هستند؟ من نمی‌دانم چه باید بکنم. به هر دری هم می‌زنم، فقط مانده خدای خودم و خودم و آن بچه و مادرش که در خانه است. نمی‌دانم چه کنم. آقای وکیل هم گفته تا آخرش هستم. وکیل گفت حاج‌خانم به آن شیری که خوردم قسم، من وکیل شما نیستم من از اعضای خانواده شما هستم. شرفم را می‌گذارم. شده بروم پای قاضی را ببوسم. این بچه بی‌گناه است، چرا باید حکم اعدام بگیرد. خانم گفت می‌روی و داد و بیداد می‌کنی، بازداشت می‌کنند. گفتم من چیزی برای از دست دادن ندارم. من پسرمر را دارم. اگر پسرم از دست برود خودم هم از دست می‌روم.